





سلسله قرارهای اندیشه ورزانه "الگوی اعتلاء
ایمانی- انقلابی شهر" با اصحاب خرد

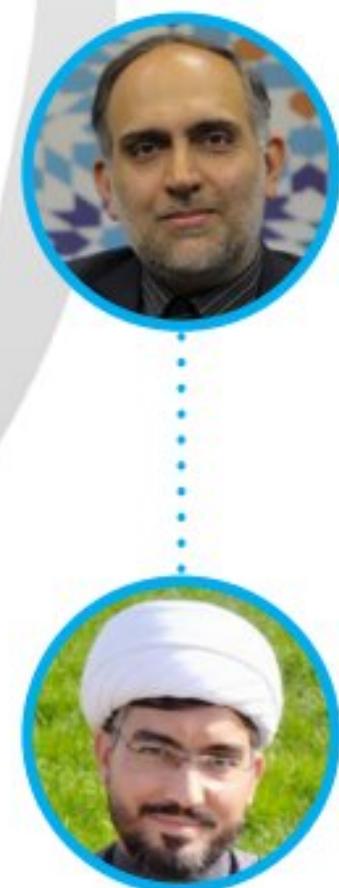
جلسه یازدهم

آخرین تحولات زیست عفیفانه در کشور

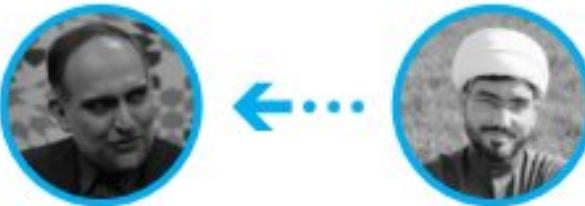
شنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۲

با حضور

دکتر سید مجید امامی
- دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور



حجت الاسلام والملمین حسین نظری
- مسئول میزهای تخصصی شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه
کشور



می‌دانیم دغدغهٔ شما قبل از این اغتشاشات

و در وضعیت فعلی هم، موضوع زیست عفیفانه بود و روی آن تمرکز داشتید. اگر بشود سیر فعالیتتان در این موضوع را بفرمایید که از کجا شروع کردید و امروز آن کارها چقدر ضریب گرفته و به کجا رسیده است.



بی‌شک بزرگ‌ترین شبکهٔ راهبری فرهنگی کشور، شورای فرهنگ عمومی است که مزین به هدایت و راهبری ائمهٔ جمیع و نمایندگان ولی‌فقیه است. اهمیت و تقدس این شبکه برای من به همین دلیل است. امیدوارم که بتوانیم از طریق این شبکه با رفع موانع، تأمین منابع و هماهنگی بیشتری که بین شئون مختلف هیئت‌رئیسهٔ این شورا محقق می‌شود و با ایجاد راهبری مبتنی بر دانش، نه الزاماً مبتنی بر منابع یا مبتنی بر ترس، [تصمیم‌های مؤثری در این زمینه بگیرم].

گاهی قدرت و اقتدار ما مبتنی بر ترس است و گاهی مبتنی بر ثروت؛ اما به نظر ما بزرگ‌ترین اقتدار و بزرگ‌ترین مرجعیتی که رئیس شورای فرهنگ باید در استان یا شهرستان داشته باشد، اقتدار مبتنی بر دانش، رصد، هدایت و به عبارتی چاره‌اندیشی است. البته اگر این باشد، وجود منابع اقتدار هم بسیار خوب است.

در سال جدید قرار گذاشتیم علاوه‌بر وظایف عادی‌مان، بر پنج شاخص یا کلان‌شاخص اصلی تمرکز بیشتر کنیم. این پنج شاخص را بر اساس دغدغه‌های حضرت آقا در دو سه سخنرانی ابتدای سال استخراج کردیم. حوزه زیست عفیفانه و پایداری خانواده هم جزء آن است. یکی از این پنج مورد که شاید حساس‌ترین و سخت‌ترین آنهاست، حوزه ارتقای شاخص‌های زیست عفیفانه و مقدمات تأمین زیست عفیفانه برای مردم است که همه باید درباره آن فکر کنیم.

اولاً اعتقاد و چهارچوب نظری ما تمدنی است که دیگر سطوح تحلیلی را هم پوشش می‌دهد. در این چهارچوب و تحلیل تمدنی در قرن بیستم با تمدنی مواجه شدیم که فراگیر و عالم‌گیر بود. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن، که در قرآن هم درباره سرنوشت جبهه شیطان مطرح شده، انهدام حرث و نسل و نابودی نهاد خانواده است. نابودی این نهاد، دیگر نهادهای مقدس جامعه را نیز از بین خواهد برد و جامعه را آتمیزه می‌کند و در خدمت جریان شیطان قرار می‌دهد. درواقع

برنامه
شورای
فرهنگ
 عمومی در
موضوع
زیست
عفیفانه

جنگ تمدنی
غرب و
کمریستان بر
انهدام حرث
ونسل

مهم‌ترین ویژگی و البته مغفول تمدن غرب، خانواده‌سوزی و به تعبیر اندیشمندان غربی جنگ علیه خانواده بود. انقلاب اسلامی در مقابل این تمدن قد علم کرده؛ پس او در مقابل دنیای ما می‌ایستد، چون ما در مقابل دنیای او ایستاده‌ایم. او حیات فاقد خانواده و ضدخانواده را می‌خواهد و ما حیات خانواده محور و تأکیدکننده بر بنیان‌های خانواده.

آغاز
چالش‌های
خانواده
از دوران
مشروطه در
ایران

البته جامعه ایران حتی پیش از انقلاب، به رغم حدود پنجاه یا هفتاد سال برنامه‌های شتابان توسعه غربی شدن، همچنان کانون خانواده را حفظ کرده بود؛ هرچند چالش‌هاییش شروع شده بود. چالش‌ها از دوره قاجار و مشروطه شروع شد. البته ما اصل مشروطه را انقلاب محترم و مبارکی می‌دانیم. بر اساس آرمان‌های مردم ایران بوده است؛ لیکن جریان روشن‌فکری آن را به تصرف خود درآورد: جریان سطحی مشروطه و بعد هم اصلاحات رضاخانی و به‌طور مشخص نخبگانی که در دوره رضاخان دنبال این ماجرا بودند؛ از تقی‌زاده که رئیس سنا بود تا امثال فروغی و....

تأکید فراوان
انقلاب
اسلامی
بر زیست
عفیفانه

بعد از انقلاب برای صیانت و حفظ خانواده، برای نشان دادن به دنیا که چه چیز می‌تواند این وضعیت را مغلوبه کند، انقلاب اسلامی بر حیا و زیست عفیفانه تأکید مؤکد داشت. حضرت امام درباره سینما، به عنوان یکی از ظاهرآً بدیهیات این تمدن، می‌گوید: «ما با سینما مخالف نیستیم با فحشا مخالف هستیم». در موضوعات دیگر هم ایشان همین را فرمود؛ مثلاً:

ما با دانشگاه مخالف نیستیم، ما با فحشا مخالف هستیم. یعنی طرح تمدنی ما مبتنی بر خانواده است و حیات خانواده مبتنی بر عفاف و حیات عفیفانه و به عبارتی رعایت ارزش‌های انسانی است که انسان از دیرباز به این ارزش‌ها پایبند بوده است.

به رغم اینکه در گذشته آسیب بوده، امروزه می‌شنویم که نظام‌های اجتماعی و ساختارهایی در حد دولت مثلاً ازدواج محارم یا ازدواج هم‌جنس‌ها یا ازدواج با حیوانات را دارای حقوق می‌دانند! این اتفاقات در تمدن‌های سابق به عنوان اموری بود که فرهنگ غلط مردم بود، ولی به ساختار تبدیل نشد و به عنوان آسیب بود که البته پیامبر قوم لوطن مقابلش ایستاد. متأسفانه با گسترش ارتباطات مجازی و با تحولاتی که در رابطه مردم و دولت اتفاق افتاد و با فشل تر شدن نظام آموزش رسمی کشور که واقعاً باید توبه کنیم و همه صدبار از خدا استغفار کنیم [این گونه اتفاقات پرنگ شده است]. در سه دهه گذشته نظام آموزش رسمی کشور را رها کردیم. البته این اتفاق عوامل مختلفی داشته و الزاماً معلم و مدیر مقصرب نیستند. کلیت ساختار اقتصاد سیاسی و ساختار اجتماعی کشور، [رها شده بودند]. این سه دلیل (گسترش حوزه ارتباطات مجازی، کمبود در حوزه تعلیم و تربیت رسمی و شکاف بین مردم و حاکمیت) ما را در شرایط حساسی از بازی زیست عفیفانه قرار داده است. به عبارت دقیق‌تر

افول
نظام‌های
اجتماعی
 فعلی در
رسمیت
بخشیدن به
ساختارهای
 fasد جنسی
 عوامل
پرنگ شدن
زیست
غير عفیفانه
در ایران

صاعقه‌ها و محرک‌های جنسی در جامعه افزایش پیدا کرده است. سبک‌زندگی غیرعفیفانه و غیرمحجوب و بازنمایی از کنار گذاشتن یا برداشتن لباس به آزادی [حاصل این کم‌کاری‌هاست]. امروز شبکه‌های جریان رقیب چه‌چیزی را تداعی می‌کنند؟ حتی کشف حجاب را نمی‌گویند؛ با اینکه ما می‌گوییم کشف حجاب تعبیر خوبی نیست، بگویید برداشتن حجاب یا اختلال جنسی یا رفتار غیرقانونی. چون تعبیر کشف حجاب به‌هرحال یک‌طور اقدام ایجابی است. آنها چه می‌گویند؟ می‌گویند پوشش اختیاری؛ یعنی دستور کار آنها این است که این رفتار را پرنگ و بازنمایی کنید، ولو از سوی کسانی که با لابالیگری این کار را می‌کنند. اسم این پدیده را پوشش اختیاری گذاشتند. این وضعیت، یعنی ادعای پوشش اختیاری و شرایطی که ما به آن رسیدیم و شکافی که در جامعه وجود دارد و بی‌تدبیری که در بعضی از مسئولان وجود دارد، محصول یک‌دهه‌ای است. اتفاق امسال و پارسال نیست. یادم هست که این موضوع از سال ۸۴ مفصل در دستور کار بود؛ خود مصوبه ۴۲۷، محصول دغدغه‌مندان شورای فرهنگ عمومی بود که آن موقع این حرف‌ها را نداشتیم. خیلی‌ها می‌گویند: اگر مصوبه ۴۲۷ اجرا شده بود [این مشکلات پیش نمی‌آمد]. پس یعنی سال ۸۴ حواسمان جمع بود، ولی در اجرا اتفاقاتی پیش آمد و دولت‌ها و روش‌ها اشکالاتی داشتند. از ابتدا هم نگاه بر تفوق نگاه انتظامی نبود. نگاه جامعی در مصوبه ۴۲۷

غفلت
از اجرای
صحیح
مصطفبة ۴۲۷

بود که اگر هرکس وظیفه خودش را به خوبی انجام می‌داد [با این چالش‌ها مواجه نبودیم]، اما فعلاً امروز اوضاع به اینجا رسیده است.

در شرایط فعلی که بعد از ماجراهای شهریور ۱۴۰۱ قرار داریم، شاهد رقابت چهار گفتمان بر سر نامعادله یا مسئله پوشش یا حجاب یا پوشش اختیاری در ایران هستیم. این گفتمان‌ها را نه من ایجاد کردم و نه موافق هیچ‌کدام هستم؛ فقط می‌گویم این گفتمان‌ها وجود دارد. میزان اثرگذاری اقدامات ما، ولو اقداماتی که در شهرستان انجام می‌دهیم، بر اساس این است که کدامیک از این گفتمان‌ها تفوق و تفوّه داشته باشد. این چهار گفتمان بر اساس ماتریس یا به عبارتی بر اساس دوسویه و دو بُردار ماجراست.

یکی از بردارهای این مسئله این است که نزد کنشگران و مردم و دخترمدرسه‌ای که نتوانستیم معارف عمیق اسلامی را در خصوص آزادی و عدالت و حقوق بشر خوب به او منتقل کنیم، آیا حجاب امری شخصی است یا نه امری اجتماعی است؟ البته واضح است که میانه طیف نقطه طلایی وجود دارد؛ چون حجاب هم امر شخصی و هم امر اجتماعی است. البته به میزانی که در جمهوری اسلامی به عنوان آن تحلیل تمدنی مطرح می‌کنیم، الزام حجاب به سمت امر اجتماعی می‌رود. در بعضی از ادوار تمدن اسلامی در گذشته حتی نیازی به این الزام نداشتیم. چون جهان برهنه‌گرا و عریان‌زده‌ای نداشتیم.

رقابت
چهار گفتمان
در مسئله
حجاب

بردار دیگر هم اینکه کشف حجاب یا برداشتن پوشش یا اختلال آیا اساساً سویه یا پیامدهای سیاسی دارد یا سویه و پیامدهای فرهنگی؟ دو سر طیف را در نظر بگیرید؛ ولی پاسخ این است که هر دو است و یک نقطهٔ طلایی در این بردار وجود دارد. اگرچه در عمل، افکار عمومی جامعه به یکی از این دو سمت می‌رود.

اینها را مثل به اضافه به هم تقاطع بدھیم، چهارگوشه گفتمان دارد. یکی از این گفتمان‌ها طبعاً حجاب را امری شخصی می‌داند و به آن کاملاً سویه سیاسی می‌دهد و تعبیر پوشش اختیاری را دارد؛ دقیقاً چیزی که الان شبکه‌های خارجی و به‌طور مشخص ضدانقلابِ خارجنشین به رهبری مسیح علی‌نژاد دنبال می‌کند. درواقع او مترسکی است، چون پشت این قضیه سرویس‌های امنیتی و فکری غربی‌ها قرار دارد. اسم این گفتمان را «گفتمان اجبار» می‌گذاریم که خودشان می‌گویند گفتمان پوشش اختیاری. گفتمان اجبار که می‌گویند شما برای خودت حریم درست کنی، من را به محدود شدن مجبور می‌کنی. لذا شعارش می‌شود: «هیز تویی، هرزه تویی، زن آزاده منم!». پس کنشگری در این میدان به معنای آزادگی و آزادی است. آیا ما مجازیم این گفتمان را تقویت کنیم؟! این دقیقاً رو به روی شماست. شخصی است و سویه سیاسی دارد.

گفتمان
صورتی

سویه دیگر این را امر شخصی می‌داند و کاملاً با سویه‌های فرهنگی آن را می‌بیند و نمی‌خواهد سیاسی کند. اینها کسانی هستند که مثلاً محجبه‌اند و توبیت می‌زنند یا پیام می‌دهند یا بحث می‌کنند و می‌گویند: من محجبه هستم، اما با حجاب اجباری مخالفم. با روش جمهوری اسلامی هم مخالفم و می‌گوییم رها کنید و کاملاً این موضوع را از دغدغه خودتان خارج کنید. ما اسم این را «گفتمان صورتی» گذاشتیم. چون نمی‌خواستیم سیاسی شود که بگوییم مثلاً گفتمان ادعایی اعتدال. اصلاً نمی‌خواهم خدایی ناکرده چنین چیزی بگوییم، ولی می‌دانیم که گروهی درون حاکمیت و خود جامعه ما هستند که حتی خودشان مقید به حجاب‌اند، ولی آن را امر شخصی می‌دانند. احترام می‌گذارند و واقعاً هم نمی‌خواهند با کلان جمهوری اسلامی ضدیت کنند. هرچند منتقد جمهوری اسلامی هستند و می‌گویند این موضوع را رها کنید.

یک طرف دیگر کاملاً و بیشتر و جدی‌تر و تحریک‌شده‌تر به سویه‌های سیاسی این رفتار توجه می‌کنند. کسی نمی‌تواند کتمان کند که مخصوصاً از ۱۴۰۱ به بعد، سویه‌های سیاسی حجاب زیاد شد. از انقلاب به بعد این‌طور بود. قبل از آن هم این‌طور بود. حتی مقاومت مردم ایران در برابر کشف حجاب رضاخانی بخشی سویه سیاسی داشت و فقط سویه فرهنگی نبود.

حتی قبل از آن هم سفرنامه‌ها را که می‌بینیم، عمدتاً حجاب خاستگاه سیاسی داشته است و این‌طور نبوده که در طول تاریخ حجاب خنثی باشد.



بله همین‌طور است. حالا اینکه چقدر سویه سیاسی و پیامدهای سیاسی این کنش بیشتر است یا سویه‌های فرهنگی آن، بحث دارد. آشوری‌ها و ارمنی‌ها هم در ایران مقید به حجاب بودند. بخش زیادی از آشوری‌ها الان هم مقید به پوشش هستند. این زندگی مردم است. هفت هزار سال تمدن ما یک تصویر زن برخنه یا تن‌نما یا حتی کم‌حجاب را نشان نمی‌دهد. این را در سنگ‌نوشته‌ها، بقايا و صنایع دستی باقی‌مانده می‌بینیم. سویه سیاسی برای گفتمان سوم بسیار بسیار گفتمان جدی‌تر شده و البته این را هم امر کاملاً اجتماعی می‌دانند و می‌گویند اصلاً مسئله شخصی برای ما مهم نیست. اسم اینها را «گفتمان اقتدار» گذاشتیم. گفتمان اقتدار از سوی بسیاری از وفاداران و زحمت‌کشان و هسته سخت انقلاب اسلامی دنبال می‌شود. ما تمام‌قد به آنها احترام می‌گذاریم، ولی بر اساس آمار و ارقام، گفتمان حاکم نیستند. اتفاق بدی که افتاده، عمدۀ جامعه توزیع شده در کلان‌شهرها که اوضاع خراب‌تر است. در سپهر ملی تقریباً ۴۲، ۴۳ درصد جامعه به گفتمان اقتدار اختصاص دارد و ۴۵ درصد هم به سمت



قابل دو
گفتمان
اقتدار و
اجبار در
کشور

گفتمان اجبار رفته است. این دو مثل دو لبه قیچی تدبیر حاکمیت را قیچی می‌کنند.

گفتمان چهارمی هم دنبال می‌شود که البته هنوز تفوّه ندارد و درواقع محتمل است. این گفتمان در رفتار و کنش حجاب، سویه‌های فرهنگی را تقویت می‌کند و البته روی امر اجتماعی هم تأکید ویژه دارد، مثل طرفداران و سازندگان گفتمان اقتدار. اسم این را «گفتمان مسئولیت» یا «گفتمان خانواده» گذاشتیم. بزرگ‌ترین غایت این کنش، یعنی کنش عفیفانه و حجاب، حفظ و حیات خانواده است. ممکن است گفته شود در بعضی از کشورهای غربی که حجاب نیست، خانواده هنوز هست. اولاً در این اعداد و ارقام باید بحث کرد؛ ثانیاً وضعیت جامعه خودمان را می‌بینیم. ما در آستانه انقلاب جنسی هستیم. مشکل ما اختلال نظام جنسی است. نمی‌خواهم وارد نظامواره ازدواج و حیات جنسی شوم. در حیات جنسی بردارهای مختلفی هست و ما در آنجا اختلال‌های اساسی داریم. اینجا خطرناک‌ترین خطر کشف حجاب، برداشتن حجاب و تن‌نمایی و بی‌عفیتی که به‌دنبال آن است و مخصوصاً دشمن روی آن تمرکز کرده، نابودی خانواده است. پس باید خانواده ایرانی را به صحنه آورد. حرف ما در گفتمان‌سازی این است: اساساً جنگ شناختی بوده. اصل قضیه که جامعه ایران را دچار حیرت در این موضوع کرده جنگی شناختی و ترکیبی بوده است. حضرت آقا بر این موضوع صحه گذاشتند.

گفتمان
مسئولیت یا
خانواده

خطرناک‌ترین
خطر کشف
حجاب

در جنگ ترکیبی باید ترکیبی برخورد کرد. باید با گفتمان و آسیب‌های متوجه مدیریت افکار عمومی اقدامات عملی و واقعی را اثربخش کرد. لذا در گفتمان خانواده، در ماههای اخیر خطر این رفتارها در خانواده اختلال نظام جنسی، اختلال تربیت نوجوانان، ازدست رفتن نوجوانها، به هم خوردن فضای آرامش جنسی خانواده، به هم خوردن شاخص وفاداری جنسی، خیانت جنسی و جرم و خطاهای سازمان یافته تر بعدی و ورود به عرصه‌های خطرناک تر در زندگی کلان‌شهرها موردن توجه قرار می‌گیرد و متعاقب‌ش خانواده ایرانی با تفاهم بر یک‌سری ارزش‌های مشترک [تقویت می‌شود].^{۸۵} در صد جامعه ایرانی به شدت خانواده گراست. در ۱۵ درصد باقی هم در صد کمی ضدخانواده هستند. اگر خانواده گرایی را تقویت کنیم [می‌توانیم پیروز باشیم]. خانواده هسته سخت نظام فرهنگی ما بوده است. با کمک جبهه مردمی و فعالان مردمی از منظر خانواده و مسئولیت اجتماعی [پیروز خواهیم شد]. تأکید می‌کنم که بیش از ۷۳ درصد جامعه‌ای که در آن به سرمی‌بریم، حتی حجاب را واجب شرعی و دینی می‌داند. این آمار در کل به صورت ملی است و در کلان‌شهرها عدد کمتر می‌شود. در تهران عدد کمتر است. از میان کسانی هم که حجاب را واجب شرعی و دینی می‌داند؛ در واقع همان حجابی که خودش تفسیر می‌کند، نه آن حجابی که الزاماً من دارم. یعنی باید حواسمن به تنوع‌ها در فضای دین‌داری باشد. مردم تهران همین‌الآن زیر پنجاه در صد روزه می‌گیرند! شاید

بگویید چرا در این چیزها دخالت می‌کنید؟! ۵ سال پیش هم همین‌طور بوده است! چون باید با عدد و رقم معادلات را بررسی کنیم، مجبورم عدد و رقم بگویم، و گرنه خودم از کسانی هستم که معتقدم نباید در این کارهای مردم دخالت کرد. نباید حتی بررسی کرد. باید غایات و پیامدهای دین‌داری مردم را فهمید. همین مردم با عدد خیلی بیشتری علاقه‌مند مناسک ماه رمضان هستند. این یعنی دین در جامعه ما فرهنگی شده. ما باید از این قوت استفاده کنیم.

مثلاً از مردم پرسیدند چقدر علاقه دارید افطاری بدھید؟ در تهران بالای ۸۷ درصد علاقه داشتند افطاری بدھند. چقدر به افطاری دعوت می‌شوید؟ ۶۸ درصد. عددها بالاست. همین نماز عید فطر حضرت آقا در مصلای تهران، نمونه دیگری است. در مورد تهران صحبت می‌کنم، در شهرستان‌ها که علاقه و دین‌داری بسیار عمیق‌تر است. مردم به نماز عید فطر علاقه خاصی دارند و احساس می‌کنند واقعاً عید است.

پس همان چیزی را که خود مردم حجاب می‌دانند منظور است. گفتیم فکر می‌کنید بی‌حجابی چقدر عقوبت اخروی دارد؟ در عرصهٔ ملی ۵۴ درصد گفتند زیاد. وقتی می‌گوییم دولت ورود بکند، حواسمن باشد که شکاف بزرگ ایجاد می‌شود که عاملش تفوق این دو گفتمان در فضای سیاسی اجتماعی کشور بوده است: گفتمان اجبار و گفتمان اقتدار. گفتمان اجبار

لزوم بررسی
آماری
شاخصه‌های
دینداری مردم
و تحلیل آنها

می‌گوید تو این را به من اجبار می‌کنی و گفتمان اقتدار می‌گوید این قانون است و باید انجام بدھی. نتیجه این دو یک چیز می‌شود: فعال شدن گسلی عجیب و غریب در جامعه ایران. از سال ۸۵ و ۸۶ این اتفاق در حال رخ دادن بود. فعال شدن گسلی خطرناک در جامعه ایران که ۴۳ درصد می‌گویند دولت مداخله کند و ۴۷ درصد می‌گویند مداخله نکند. باید این وسط چه کار کنید؟ یعنی حکمرانی در امری که تفوق و تفاهem و تلائم اجتماعی شصت هفتاد درصدی ندارد چطور ورود کند؟ درباره بسیاری دیگر از قوانین هم می‌شود این مثال را زد. برخی می‌گویند مثال را بر قانون راهنمایی و رانندگی پیاده کن. بماند که قیاس این دو واقعاً قیاس معالفارق است؛ ولی مثلاً در عبور از چراغ قرمز یا سرعت زیاد با جرایمی که واقعاً بازدارنده هم نیست، تفاهem وجود دارد؛ یعنی این طور نیست که پلیس در اعمال جریمه و اعمال قانون مشکل اساسی داشته باشد.

آمار دیگری را هم بگوییم: مثلاً از مردم پرسیدند چرا دولت با بی‌حجابها بروخود نمی‌کند؟ این پرسش برای اسفند بوده است. پاسخها بسیار متنوع است؛ ولی جالب است که ۲۱/۷ درصد گفته‌اند: چون دولت نگران سوءاستفاده دشمن است. ۲۰/۹ گفتند دولت و نظام در این زمینه مشغول کار فرهنگی است. یعنی چهل پنجاه درصد است. چهل پنجاه درصد آن طرف، مثلاً ۳۰/۸ که عدد زیادی است، گفتند: چون نگران

نظرسنجی
مردمی در
مورده علت
عدم بروخورد
دولت با
بدحجابی

آشوب است و می‌داند بسط ید کامل برای مواجهه در خیابان را ندارد. چرا بسط ید ندارد؟ چون سیستم تفاهمنامه اجتماعی به هم ریخته است؛ لذا اگر تبیین رخ دهد و تبیین ماجرا و رویکرد خانواده و ارزش‌های مشترک فرهنگی جامعه ایران با سرعت بیشتری اتفاق بیفت، [تفاهمنامه بیشتری رخ خواهد داد]. البته این منجر به تفکیک می‌شود. باید این پانزده درصدی که ولو رویکردش گفتمان اجبار است، تفکیک شود. این درصد درواقع در حال مقابله سیاسی است. البته ۱۵ درصد عدد تهران است و در شهرستان‌ها اصلاً این عدد نیست.

رهبری هم محجبه‌ها و شُل‌حجاب‌ها را یک طرف قرار دادند و گفتند که اولاً اقدام اینها سرمایه است. اینها می‌توانستند در این شرایط که ظاهراً گفتمان به سمت پوشش اختیاری می‌رفت حجابشان را بردارند. البته پوشش اختیاری کلمه دشمن است، این رفتار غیرقانونی یا اختلال رفتاری است. اینها در این شرایط حجابشان را حفظ کردند؛ البته همان حجاب ضعیف. بزرگ‌ترین کاری که ما باید در شهرهای بزرگ انجام دهیم این است که به لحاظ ذهنیت، مردم را تفکیک کنیم. باید اقلیتی را که اختلال رفتاری دارد، از اکثریتی که می‌خواهد زندگی‌اش را داشته باشد جدا کنیم. او زندگی‌اش را می‌خواهد و دوست دارد. خانواده‌اش را دوست دارد و با همه اشکالات و انتقادات و تنوع و تفاوت‌هایی که مثلًا با خانواده امام جمعه دارد، در یکجا با او هم مشترک می‌شود؛ مثلًا در نماز لزوم تفکیک مردم به لحاظ ذهنیت آنها

جماعت او هم به همان امام اقتدا می‌کند. باید در قضاوت درباره دینداری مردم و طیف دینداری مردم مراقب باشیم. مراقبت نکردن‌ها باعث شد که بخش زیادی از جامعه به پانزده درصدِ دچار اختلال بپیوندد. در تهران پانزده درصد، در شهرها ده درصد و در شهرستان‌ها پنج درصد.

بر همین اساس تلاش می‌کنیم و ایدهٔ ما در شورای فرهنگ عمومی این است که بتوانیم همهٔ ارکان نظام را بر جدیت بر سر این گفتمان‌سازی و تفکیک و بعد از تفکیک، بر ارتقای بدنهٔ کنترل اجتماعی متمرکز کنیم. کنترل اجتماعی هم روند رسمی دارد و هم غیررسمی. رسمی همان است که پلیس باید انجام دهد. اگر کسی جرمی مرتکب شد، باید با سرعت و فوریت و اثربخشی با آن برخورد شود. برخورد پلیس، هوشمند باشد چه بهتر، از طریق دوربین باشد چه بهتر. برخورد پلیس با کسبه و مجتمع تجاری که رعایت نمی‌کنند، از جنس محرومیت و تنبیهات اجتماعی و پلمپ باشد چه اشکالی دارد؟! امروز امکان حقوقی‌اش هم هست؛ اما همهٔ اینها زمان و ترتیب خودش را دارد. همهٔ آنها مهم است، اما باید یک راهبرد واحد در آن اتفاق بیفتد.

فرایندی که طی شد، در رویکردی اقتدارگرا اتفاق افتاد که اسمش را گفتمان اقتدار یا گفتمان ناهیان گذاشت. آن فرایند فی الجمله یعنی واگذاری کامل اختیارات قوهٔ قضائیه برای اعمال تبصره ۳ ماده ۶۳۸ در مورد فرد مکشفه به پلیس تا

پلیس خودش چهره‌زنی کند و جریمه کند. تا این لحظه نظام سیاسی، حکمرانی، قانونی و حقوقی کشور این را محقق نکرده است؛ ولی به جای آن تأکید و تمرکز ویژه‌ای بر تغییر این تبصره و درواقع تغییر روش اعمالش انجام شده است. مجلس قول داده همکاری کند. قوه قضائیه لایحه‌ای را آماده کرده که به صورت قانونی، نه فرآقانونی، مواجهه پلیس و دستگاه قضایی با فرد مکشفه یا تن‌نما مستقیم صورت بگیرد. البته از باب هتك عفت عمومی هم می‌شد با آنها برخورد کرد، ولی وقتی تعداد جرایم مقداری بیشتر از یک دو درصد می‌شود، مثلاً به ۱۰ درصد و ۱۵ درصد می‌رسد، نمی‌توان با فرایند دادرسی با آن مواجهه کرد. هدف این است که بخشی از این فرایند دادرسی، نه همه آن، به تخلف تبدیل شود. البته این قانون می‌خواهد و امیدواریم قانون‌گذاران در این موضوع به‌دقت عمل کنند و طبعاً شورای نگهبان دقت می‌کند. این فرایندی است که در حال طی شدن است.

آنچه ما مسئولیت داریم این است که بتوانیم با گفتمان خانواده‌گرا بین این اختلال‌ها تفکیک کنیم و بخش‌های دیگر و دستگاه‌ها هم وظایفی را که در مصوبات ۴۲۷، ۸۲۰، ۸۶۷ تابستان گذشته وجود دارد، به‌جذب دنبال کنند. بخشی از آن قصور بوده و بخشی تقصیر بوده است. بخشی از عدم پیگیری‌ها به‌خاطر فقدان منابع و نرسیدن منابع بوده است. فقر منابع حوزه فرهنگ امری بسیار بسیار جدی است. البته

تأکید و تمرکز
بر تغییر
روش برخورد
پلیس با
هنجارشکنان

عوامل
عدم توفیق
در تقویت
گفتمان
خانواده

دولت برای این تدبیر کرده است؛ یعنی به این سمت رفته که منابع بخش فرهنگ را پایدار کند. همه بزرگوارانی که الان در این نشست هستند، اولین گلهشان از دولت در حوزه فرهنگی حتماً این خواهد بود که منابع به ما نمی‌دهید. همین میزانی که به فعالان مردمی و... کمک شده است هم مثل پرکاهی است در دریایی از نیاز و مطالبه. اگر این اراده‌ها نبود، همین‌ها هم محقق نمی‌شد.

در حوزه پوشش، پوشک و ساماندهی سیستم نظارت و حمایت از تولید پوشک، کارهای زیرساختی انجام شده و اگر لازم شد توضیح می‌دهم.

در کنار این، آیا اقدامات ضربی، فوری و عاجل باید انجام شود؟ زمینه بخش زیادی از آن هست و بقیه آن به میزان بسط ید حاکم بستگی دارد. مثلاً ما الان شاخص‌های دقیق قانونی کارگروه ساماندهی مد و لباس برای لباس اجتماعی بانوان داریم، ولی باید دید که چرا کامل نمی‌تواند اجرا شود. سیستم امنیتی، سیستم انتظامی و سیستم صنفی باید با هم همکاری کنند. اما چرا نمی‌توانند کاملاً جلوگیری کنند؟! بیش از ۶ درصد از پوشک نامناسب اجتماعی که درکشور موجود است، قاچاق است! واردات پوشک دوخته شده به کشور ممنوع است یا در واقع اصلاً تعرفه‌گذاری نشده است؛ یعنی ممنوع است. این به خاطر مکانیزم بسیار پیچیده صنعت پوشک در جهان است که باید مفصل در این‌باره صحبت کنم که وقتی نیست.

پیچیدگی‌های
مقابله
با برخی
آسیب‌ها

مثلاً بخشی از قاچاق این پوشک از مجاری رسمی نیست. از مجاری غیررسمی هم نمی‌آید. یعنی کانتینر بسته پوشک که مثلاً بیست میلیون قطعه پوشک از اوائلت ۱ و بقایای صنایع بزرگ پوشک جهان که در سنگاپور و هنگ‌کنگ و چین تولید می‌شود می‌آید مثلاً به مقصد عراق. در گمرک آن را ترخیص و سوار می‌کنند تا به عراق برود. می‌رود آن طرف مرز و در اولین ده کوره بعد از مرز این کانتینر باز می‌شود و با کوله‌بران به این طرف می‌آید! دولت هم به آنها این اجازه را داده است. این مسائل، مسائل پیچیده‌ای است. راه حل‌هایش را پیدا کرده‌ایم. می‌دانیم دیر شده است. به‌هرحال گفت اگر دیر آمدم مجروح بودم! ولی یک‌یک راه حل‌هایش را پیدا می‌کنیم. با دوستانمان در ستاد مبارزه با قاچاق هم مباحثاتی داریم. مثلاً در حوزه نظارت، سامانهٔ شیما نظارت پیشینی ایجاد می‌کند که باید کد کالا درست شود.

در حوزهٔ تولید هم البته وزارت صمت کوتاهی دارد و من به عنوان مسئول کارگروهی که وزارت صمت هم عضو آن است، این را کتمان نمی‌کنم. ولی با تمام وجود قول دادند که به این موضوع ورود کنند. طرحی آماده شده است که در حال اجراست. توسعهٔ تولید چادر مشکی به شدت دنبال

تولید چادر
مشکی ملی

۱. اوائلت شامل فروشگاه‌هایی می‌شود که به صورت آنلاین یا فیزیکی، محصولات را با قیمت‌های پایین‌تر یا با تخفیف می‌فروشنند که معمولاً شامل لباس‌های مرجوعی مصرف‌کنندگان بوده و در اصل لباس‌های نو حاوی برچسب بدون عیب هستند.

می شود. امروز تقریباً ده یازده میلیون مترمربع در کشور تولید اسمی می شود که قرار است تا پایان سال ۱۴۰۲ به بیش از ۲۵ میلیون متر برسد. هرچند اینجا هم مشکلات اساسی و متعاقب آن نیاز جدی به واردات داریم؛ چون نیاز کشور بیش از ۵ میلیون مترمربع است. متدينان از قیمت چادر مکشی و توزیع آن شاکی هستند. برای برطرف شدن این مشکلات تلاش می کنیم. تعریفه هم پایین آمده، ولی متأسفانه باز اشکال در دولت بوده است. واقعاً این واردات باید تسهیل شود.



از میان چهار گفتمانی که درباره حجاب وجود دارد، آن که شما بر آن متمرکز هستید و به عنوان گفتمان اصیلی که حاکمیت باید دنبال کند، گفتمان خانواده است که حجاب را امر اجتماعی می داند با رویکردهای فرهنگی. الان مشخصاً در گفتمان مسئولیت و خانواده چه کارهایی در حال انجام است؟



اولاً تلاش می کنیم با راهبردهای رسانه‌ای مختلف، آن فرایند یا راهبرد تبیین، تقبیح، تفکیک و کنترل را پیگیری کنیم. با تولیدات رسانه‌ای که آغاز شده است. سرعتش کم است. می خواهیم این گفتمان را تقویت کنیم. تکرار می کنم که تبیین منجر می شود این اختلال و رفتارهای تن‌نمایی و برنهنمهای‌ها و رفتارهای فوق ناهنجار تقبیح شود. اگر اینها تقبیح شود،

راحت‌تر می‌توان این رفتارها را به عنوان منکر در جامعه جا‌انداخت و طبعاً کسانی بر این اختلال تأکید دارند تفکیک می‌شوند و وقتی تفکیک می‌شوند هم مردم، هم خانواده‌ها و هم سپهر عمومی جامعه و هم ضابط قضایی می‌توانند کنترل بهتری را اعمال کنند. پس اولاً، راهبردهای رسانه‌ای تبیین، تقبیح، تفکیک و کنترل را در نظر داریم. این حدود دوازده، سیزده راهبرد رسانه‌ای است. راهبردهای رسانه‌ای را به دستگاه‌های ملی ابلاغ کرده‌ایم. الان شک دارم که به استان‌ها هم ابلاغ شده باشد، ولی آماده است و خدمتشان می‌فرستیم.

در راهبرد سه‌پایه یا سه‌گانه که بعد توسعه‌اش دادیم، یکی از راهبردهاییمان همین مدیریت گفتمان و افکار عمومی بود. این نکات که درباره مدیریت افکار عمومی اشاره شد بیش از چهارده ماه است که به استان‌ها رفته. بعضی از استان‌ها روی آن بحث کردند. متأسفانه بعضی از استانداران به بهانه اینکه مسئول ماجرا هستند، بر اساس ابلاغیه وزارت کشور ستادی تشکیل داده‌اند و این موضوع را در شورای فرهنگ عمومی دنبال نکردند. ما از روز اول گفتیم اصلاً مهم نیست. مهم محتوا و عمل و برنامه است. در همان ستاد حجاب استانداری کارها را انجام دهید، اما ایده‌های دوستانتان در شورا را که از سال ۸۴ و قبل از آن، با نگاه فرهنگی درگیر موضوع بودند، به ستاد ببرید و مطرح کنید.

نکتهٔ بعدی این است که ما زمینهٔ بسیار زیادی را برای درمان و مواجهه با این اختلال‌ها در نظر گرفته‌ایم. چون گفتیم این تن‌نمایی و برهنگی و بعضی از این رفتارها اختلال است و فرهنگ اجتماعی یا آزادی اساسی نیست. پروتکل‌های درمانی، روش‌های مواجهه، روش‌های مشاوره برای آن پیشنهاد داده‌ایم و اتفاقات خوبی هم افتاده است. مثلاً یکی از فرایندهای خوب کار دوستانه ما در مشهد در مرکز جوانان آستان قدس بود. کلینیک آمين که پیگیری می‌کنیم و هر استانی آمادگی داشته باشد، می‌شود در آنجا هم راه‌اندازی کرد. همچنین ارتباطی که اخیراً با مدرسه‌ها گرفته و به آموزش‌وپرورش می‌گوید موارد فوق ناهنجارت را دیگر نمی‌توانی با همین معلم و با سطح آموزش معلم یا مشاور مدرسه درمان کنی. مثل درمانگاه که ارجاع به بیمارستان تخصصی می‌دهد، اینها را به فضای فرهنگی و آرام ارجاع دهید. یعنی درواقع راهبرد سوم ما درمان و مواجهه هوشمند و علمی بود. البته نفس مواجهه هوشمند در بقیه موارد مثل فضای مجازی و کسبه و خودرو هم مورد تأیید ماست. کسبه، فضای مجازی و خودرو که به رغم اشتباہات یا توطئه‌هایی باعث شد از شهریور ۱۴۰۱ کمرنگ شود، مجدداً جدی گرفته شده است. مخصوصاً تأکید داریم که مواجهه با کسبه و مجتمع‌های خرید باید هوشمندتر شود. خودکسبه و مجتمع‌ها با مسئولیت اجتماعی، نه تهدید و ارعاب، در برابر اینکه رزق کلینیک آمين

و کسب و کارشان تحت الشعاع رفتارهای جنسی یا وقت تلف کردن های هرزه می شود، باید پای کار بیایند. مردم و مخاطبان هم به حرفشان گوش می کنند، چون می فهمند زندگی و معیشت کسبه به خطر می افتد. جز یک سری کسبه یا کسب و کارها که متأسفانه در همین هرزگی ها و ولنگاری ها هستند که آن هم بحث مستوفای دیگر دارد.

کار بزرگ دیگری که انجام شده که باید آن را تقویت کنیم: گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه زن ایرانی، زن معمولی ایرانی، همین مادرانی که شهدا از دامان آنها به عروج رفتند و گفتمان زیست عفیفانه و حیا و حجاب. برنامه های مختلفی در بعضی از استان ها رخ داده است. نمونه هایی را از مواردی که مقداری ملی تر شد و زحمت دوستان ما از اعضای شورا بود را مثال می زنم. مثلاً دوستان ما در سازمان تبلیغات، جشن فرشتگان را به راه انداختند. این کار کاملاً برنامه ریزی شده برای تقویت گفتمان دختر معصوم ایرانی بود. وقتی این گفتمان تقویت شود، دختر ایرانی در دامهایی نمی افتد که متأسفانه در مدارس رسوخ پیدا کرده است. شک نکنید که پیچیده ترین و خطرناک ترین نسخه های سوء رفتار جنسی امروزه در مدارس ما وجود دارد! در پنجاه مدرسه ا پرآسیب تر و اغتشاش شده تر مشهد بررسی و کار میدانی انجام شد. البته این دیگر بدترین وضعیت است. متأسفانه اعداد و ارقامی بیرون آمد که بسیاری از آقایان شوکه شدند.

جشن
فرشتگان
برای معرفی
گفتمان
دختر
معصوم
ایرانی

حتی مدارس امام رضا علیهم السلام و شاهد و... هم؟



بله. مثلًاً مصرف فلان موسیقی خاص یا این مواد مخدر خاص یا دیدن این فیلم خاص (تقریباً هشت فیلم مدنظر بوده است) که کاملاً به سمت هم جنس‌گرایی می‌رود چقدر بوده؟ تقریباً شخص در صد بچه‌ها آن هشت فیلم را دیده‌اند! از اینها عبور می‌کنم. در نمایشگاهی که به این موضوع اختصاص داشت، شخص حاج آقا حاج علی‌اکبری حضور داشتند. من هم در معیت ایشان بودم. خودشان باید این موارد را بحث کنند. اینها همه در کنار این است که هویت جوان و نوجوان ایرانی، عمیقاً و باطنًا دین‌دار، ایران‌دوست، وطن‌دوست و خانواده‌دوست است.



آبررویداد گوهرشاد را در پیش داریم که در ۲۵ ذی‌الحجہ، روز خانواده و دو روز بعد از روز حجاب و عفاف است؛ یعنی ۲۱ تیر. آبررویداد گوهرشاد در بیش از چهل رشته برگزار می‌شود و چند وقتی است جایزه گوهرشاد و رویداد گوهرشاد را در رسانه‌ها یاد می‌کنیم. این رویداد فضای بسیار مهمی است که تا هفتۀ آینده فراخوان‌هایش را به استان‌ها می‌فرستیم. سفارش اثر هم داریم و سعی می‌کنیم به استان‌ها کمک کنیم تا بتوانند انجام دهنند. این رویداد کمک می‌کند که گفتمان ایران و انقلاب و اسلام تقویت شود.

ابررویداد
گوهرشاد در
۲۱ تیر

توصیه به
ناهیان عزیز

نکته آخر من درباره مواجهه ضابط قضایی یا قوه قضائیه یا ناهیان عزیز است. اینها سریازان جبهه ارزش‌های انقلاب اسلامی هستند. مواجهه اینها باید در پرتو زمینه‌سازی‌های رسانه‌ای و فکری و فرهنگی ما باشد که گاهی اوقات حتی با سکوت محقق می‌شود. یعنی گاهی اوقات نباید چیزی بگوییم، ولی باید عمل کنیم. گاهی اوقات من باید بسیار عام‌تر بگوییم و حتی باید مثلًا به آن ناهی از منکر بگوییم که تو کارت را بکن، ولی انتظار نداشته باش من هر هفته در تریبون جمعه از تو تقدير کنم. من خارج از تریبون دست تو را هم می‌بوسم، ولی اجازه بده در این جنگ ترکیبی، در این قضایی که «المُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ» مفصلًا فعال هستند، من توطئه‌شان را به لحاظ فکری خنثی کنم. چنان خلع یدشان بکنم که دیگر چنین شرایطی به لحاظ افکار عمومی برقرار نباشد.



معمولًا مخاطبان این مواردی که برشمردید، یعنی جشنواره گوهرشاد و جشن فرشته‌ها و برنامه‌های ایجابی از این جنس، باورمندان به حجاب هستند؛ یعنی قشر خاکستری کمتر در این دایره است. می‌خواهم قدری کاربردی‌تر و عملی‌تر این را بشنویم. الان مشخصاً برنامه‌ما که آن تفاهم اجتماعی را ایجاد کند تا برنامه‌های سلبی هم کف خیابان جواب بدهد چیست؟ این برنامه‌ها در درازمدت اثر می‌کند. الان که آقایان ائمه جمعه درگیر با این فضا هستند، چه کار

کنند؟ مطالبه از ایشان زیاد است. بعضاً آقایان را به انفعال متهم می‌کنند.

تقدیم دعوت
به حجاب بر
نهی از منکر

 می‌گوییم دعوت به حجاب امروز در کشور و جامعه ما مقدم بر نهی از منکر است؛ البته نه اینکه رافع نهی از منکر باشد. حتماً نهی از منکر باید انجام داد و واجب کفایی است، اما دعوت به خیر حجاب [اولی است]. معتقد هستیم دعوت به خیر حجاب با ایجاد شرایط، تبلیغ و تبیین، محقق شدنی است؛ با زبان‌های کنونی.

توصیه
رهبری بر
سخن گفتن
به زبان خود
آن شخص

اتفاق جالبی را آقای قمی تعریف می‌کردند و می‌گفتند: چند هفته پیش با مسئولان سازمان تبلیغات خدمت آقا رفتیم. حضرت آقا گفتند: با هر کسی با زبان خودش صحبت کنید. این ویژگی مبلغ است: «*كَلِّمُوا النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ*». با نوجوان به زبان نوجوان، با زنان با زبان زنان و.... بعد گفتند: آقا چیزی فرمودند که اصلاً تا حالا نشنیده بودیم. گفتند: با معاند به زبان خودش، با غافل به زبان خودش. این خیلی عجیب است. الان چند هفته است فکر می‌کنیم که این را چطور تحلیل کنیم. با غافل باید چطور به زبان خودش صحبت کرد؟ با جاهل به زبان خودش؟ البته به این معنا نیست که ما هم باطل او را بازگو کنیم. بلکه به این معنی است که از آنجایی که هم‌زبانی داریم با غافل یا معاند [صحبت کنیم]. تولیدات رسانه‌ای را جدی گرفته‌ایم، ولی واقعاً باید مردمی

شود. تولیدات رسانه‌ای در چه موضوعی؟ در این موضوع که عواقب سوءِ ضدخانواده و ضدارزش و ضدهنگارهای بدیهی این رفتارهای تن‌نما و ولنگار و این بی‌مسئولیتی را نشان بدهد. در استان‌ها مطمئن هستم این اتفاق بهتر می‌تواند بیفتد؛ یعنی با کمک بچه‌های فضای مجازی استان و شهرستان، پنج یا سه قطعه در فضای مجازی، ولو غیررسمی تولید کنیم که فرایند اقرار یا در ددل کسی که بزه دید را نشان دهد که شرایط حاضر او از تن‌نمایی و ولنگاری شروع شد. معتقدیم خانواده‌ها و مردم به شدت به این موضوعات حساسیت نشان می‌دهند.

البته باز تأکید می‌کنم که اینها باید در کنار اتفاقاتی باشد که باید در فضای عمومی جمعه بیفتد. سازمان اعتماد مردم به حاکمیت باید بازسازی شود. امیدواریم در ماههای آینده بعضی از اقدامات مثبت و بعضی از تلاش‌ها جواب بدهد. متاسفانه اقدامات دولت [پاسخ‌گو نیست]. البته ما دچار آسیبی بزرگ در حوزه مصرف منابع انرژی هستیم. دولت در همین شرایط بدون هیچ‌گونه کوتاهی انرژی و برق را می‌رساند. اینها اصلاً هنر نیست، ولی سخت است. به عبارت دقیق‌تر در این شرایط نامعادله مصرف و نامعادله تحریم اینها اتفاقات سختی بوده است. اینها بارها گفته شده است، ولی مردم وقتی این را در کنار تورم می‌گذارند، اساساً برایشان حسی ایجاد نمی‌کند. برای مردم مهم نیست که مثلاً مسئول دولت سابق گفته است که دولت جدید شهریور ۱۴۰۰ نمی‌توانید حقوق را بدهید!

کار کوچک دیگری هم باید به جد پیگیری شود که در توسعه نمایشگاهها راهبردهای سه‌گانه ما بوده است. دسترس‌پذیری، در کوتاه‌مدت جواب می‌دهد: توسعه نمایشگاهها و سکوهای موقت عرضه پوشاك عفيفانه. مردم و مخصوصاً خانم‌ها عميقاً علاقه‌مند به تنوع در پوشاك هستند. امروز بالقوه اين ظرفيت را برای پوشاك متنوع عفيفانه داريم. بيش از چهارصد توليدکننده پوشاك عفيفانه در کشور وجود دارد. عدد بيشتر است، ولی باقی خيلي خرد يا خانگي هستند. بيش از دو ماه است که در شهرهای مختلف [این موضوع را پیگیری می‌کنیم]. همین دیروز شخصی از مید زنگ زد و می‌خواست این کار را در مید انجام دهد. شما باز می‌گویید: برنامه‌تان برای خاکستری‌ها چیست؟ تجربه ما این است که اگر این نمایشگاهها خوب برگزار شود و قیمت‌ها کنترل شوند، خاکستری‌ها می‌آیند و از آنجا مانتو و روسی می‌خرند. می‌گویند دو سه سال است که مانتوی بلند و مناسب در شهرستان ما نبود. این عیب بزرگ سیستم توزیع پوشاك در ایران است که امیدواریم با روش‌های بلندمدت حل شود. حمایت از تولیدی‌ها و تولیدکننده‌ها در بدننهای مردمی بسیار مؤثر است. مسجد و تعاونی مسجدپایه‌ای سراغ داریم که امروز، بهشت پوشاك عفيفانه تولید می‌کند. این همان شکوه حرکت مردمی است که ضامن حفظ ارزش‌های خانواده است.

 برای به حرکت درآوردن مردم در میدان، آیا برنامه‌ای دارید؟ به نظر می‌رسد حکمرانی مردمی‌فرهنگی عمدت‌ترین بازوی پُرژور ما در مدیریت این فضاست. حاکمیت هرقدر هم توانمند باشد، نمی‌تواند جمع‌کنندهٔ نهایی این مشکل باشد. مردم باید وارد کار شوند. الان طرحی داریم که مردم را وارد میدان کنیم؟

 اولاً مقدمهٔ این جدیت در احیای جنبهٔ مردمی‌ماجرای آن ریشهٔ مردمی‌ماجرای این بود که این تنازع و نزاع گفتمانی در بدنهٔ حاکمیت رفع و حل شود. تا حد زیادی هم شده است. همین دیروز هم که در شورای اطلاع‌رسانی دولت جلسه داشتیم، احساس من این است تا حد زیادی این رفع شده است. اگر با گفتمان شکاف‌ساز و سط بیایید، به این معناست که شکاف را تشدید می‌کنید و مردم را به جان هم می‌اندازید.

 منظور آقای دکتر دروactual اختلاف دیدگاه بین وزارت کشور و وزارت ارشاد و دو گفتمان است که سلب در آن غلبه داشته باشد یا ایجاب.

 البته برادران ما در وزارت کشور هیچ وقت نگفته‌اند سلب غلبه داشته باشد. بسیار هم زحمت کشیدند. بسیار هم

حل نزاع
گفتمانی در
حاکمیت،
لازمه احیای
مشارکت
مردمی

اخلاص در این کار داشتند و تا امروز هم کارهای مفید بزرگی انجام داده‌اند. ما دو مشکل داریم: یکی اینکه باید منابع بیشتری به نظام فرهنگ کشور تزریق شود. البته می‌دانیم که اگر مردم واقعاً وسط می‌آمدند، این منابع هم نیاز نبود. نکته دوم این است که ما به ترتیب قائل هستیم؛ یعنی می‌گوییم نماز وقتی دارد؛ اگر قبل از وقتی خوانده شود، هیچ فایده‌ای که ندارد، ممکن است آثار سوء دیگری هم داشته باشد.

پس اول باید تکلیف ما مشخص شود که قرار است با چه نظریه و گفتمانی وارد جبهه شویم و به سمت فتح خرمشهر بیاییم. در سال ۵۹ خرمشهر را از ما گرفتند. واجب آنی و دفعی ما بود که خرمشهر و خاک را پس بگیریم. باید برای آن برنامه‌ریزی کنیم. این دقیقاً تعبیر آقاست: باید برای آن تدبیر داشته باشیم. اگر تدبیر نداشته باشیم نه خرمشهر را پس می‌گیریم و نه حفظ نیرو می‌کنیم. یعنی باید نیروی‌هایمان، اجماع‌مان، اتقان‌مان و سرمایه خودمان را هم حفظ کنیم. این برنامه‌ریزی وقتی ممکن است که بدانید هدف چیست. می‌توان گفت تا حد زیادی، اجماع بر سر هدف وجود دارد. مخصوصاً با نوع ورود رهبری به ماجرا در سه‌ماهه اخیر که تعابیر ایشان بسیار کم حجم، اما بسیار عمیق و برای ما راه‌گشا بود: آن تعابیر واجب شرعی و واجب سیاسی و تعابیر بزرگ‌تری که اشاره کردند بدنه بسیاری از همین کم‌حجاب‌ها و شل‌حجاب‌ها را حواستان باشد و اینها را با آنهای که مرتکب حرام سیاسی شده‌اند یکی

نکنید. حرام سیاسی آنهایی هستند که به سمت برداشتن کامل و تن‌نمایی رفته‌اند.

اتفاق بزرگ به صحنه کشیدن مردم در حال تدبیر است.

گوهرشاد رویدادی مردمی است. یک رویداد حرفه‌ای دارد و یک جایزه هم دارد؛ یعنی سه فصل دارد. ما گمان می‌کردیم رویداد گوهرشاد تا حد زیادی بتواند این موضوع را محقق کند، ولی اقرار و تأکید می‌کنم که با یک گل بهار نمی‌شود.

از شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه دعوت و خواهش می‌کنم که راهبری فعالان فرهنگی استان‌ها را با هدایت ائمه جمعه و با گفتمان مسئولیت و خانواده و با گفتمان محتاطی که از شکاف‌ها احتراز کند تقویت کنیم. دعوت به حجاب باید تقویت شود. الان در بسیاری از اماکن کلان‌شهریمان فرایند دعوت به حجاب را داریم. باز تأکید می‌کنم فرایند نهی از منکر ممکن است جاهایی جواب بدهد: در مورد حاکمیت و فضاهای دولتی. ما معتقدیم باید انجام شود و البته اگر فضای گفتمانی آماده می‌شد بهتر بود. معتقدیم حالا که قانون این را می‌گوید، اصلاً به اعتقاد کاری ندارد. خدمات عمومی و دولتی در دفاتر و دوایر دولتی، حتی در آنجایی که خدمات عمومی دولتی ارائه می‌شود، مثل فرودگاه‌ها، باید منوط به رعایت قانون باشد. البته باید توجه شود که بنشین و بفرما و بتمرگ خیلی با هم تفاوت دارد. دوستان ما انصافاً در حراست‌ها رعایت ادب را می‌کنند. لیکن دعوت به حجاب

دعوت از
ائمه جمعه
در تقویت
گفتمان
مسئولیت و
خانواده

معلق کردن
خدمات
دولتی بر
رعایت
حجاب

در شرایط بسیار مفیدتری است. الان در ایستگاه‌های متروی تهران گروههای را داریم که دعوت به حجاب می‌کنند؛ یعنی به صورت اختیاری از فرد آسیب‌دار خواهش و چند دقیقه با او گفت‌وگو می‌کنند. هدایایی ردوبدل می‌شود. شماره‌هایی ردوبدل می‌شود. شبکه ارتباطی درست می‌شود. طرح چهارشنبه‌های زهرايی مردمی است. من همه اینها را رفته‌ام و دیده‌ام.

فردا با بیش از هفتاد نفر از فعالان مردمی حجاب که بیشتر از تهران و قم و البرز هستند در جلسه‌ای با وزیر محترم فرهنگ دیدار خواهیم کرد. طرح‌های زیادی هستند که اگر بخواهم اسم‌هایش را بگویم وقت شما گرفته می‌شود. اینها به حجاب دعوت می‌کنند. ما در نمایشگاه قرآن سال گذشته و پیش رو که همه می‌گویند این بزرگ‌ترین پاشنه‌آشیل دولت خواهد شد، تمام تلاشمان را می‌کنیم که به حجاب دعوت کنیم. البته در ورودی باکس‌انی که نمی‌خواهند قانون را رعایت کنند [برخورد و از ورودشان جلوگیری کردیم]. اجازه دهیم فضای خانواده‌ها باشد. خانواده ایرانی با هر درجه‌ای از حجاب برای کتاب می‌آید، برای زندگی می‌آید، برای تفریح می‌آید. برای میتینگ سیاسی نمی‌آید. برای برنامه‌ریزی جمهوری اسلامی نمی‌آید. اینها پنج درصد هستند که یا غافل‌اند یا البته نیات سوئی دارند.

نکته آخر اینکه اعتنا به تلویزیون رسمی در پهنه ملی الان عملأً به زیر پنجاه درصد رسیده است! در این شرایط

مردم مفصلأ در فضای مجازی هستند. گفت: شما سنگ را بسته‌اید و سگ را باز کرده‌اید! حواسمن باشد مردم به تعبیر رهبری، با قتلگاه مواجه می‌شوند! این سخن به این معنا نیست که باز همین فضای مجازی را هم فیلتر کنیم؛ به این معناست که گفتمان اجتماعی را در شهرمان در دست داشته باشیم. حرف من را از خود من بشنو! حرف من این‌قدر اتقان دارد و مبتنی بر مشترکات است که وی‌ئوای هم نمی‌تواند از آن سوءاستفاده کند. البته در بعضی از شهرستان‌ها سیمای استانی تا شصت هفتاد درصد بیننده دارد و این خیلی خوب است. من از طرف‌داران تنوع در این موضوع هستم که با سیمای استانی محقق شده است. روزی همین اخبار بیست‌وسی بیش از ۷۵ درصد مخاطب داشته است. یعنی وقتی از مردم می‌پرسیدند که در هفته‌گذشته بیست‌وسی را دیده‌ای، ۷۵ درصد می‌گفتند دیده‌ایم. در بعضی از واقعی هم جالب است که مثلًا وقتی از مردم می‌پرسیم اخبار مسمومیت‌ها را از چه رسانه‌ای دنبال می‌کنید؟ به‌یک‌باره ۷۰ درصد می‌گویند از صداوسیما. چون برای آنها مهم بوده که این موضوع، موضوعی رسمی است. ولی در همین موضوع حجاب دنبال‌کنندگان اخبار صداوسیما از ۰.۵ درصد بیشتر نمی‌شوند. مردم نامعادله و مسئله حجاب را از تریبون‌های رسمی که در اختیار ماست دنبال نمی‌کنند. لذا «ف» که می‌گوییم او آن را فرhzad می‌کند. درواقع حقوق مردم سلب می‌شود. ما سلب می‌کنیم یا دشمن؟ کار ندارم.

کاهش اعتنا
به رسانه
ملی و اقبال
به فضای
مجازی

حقوق مردم، حق فرهنگی مردم برای صداقت، حق ارتباطات سالم و... امروز در کشور ما ضایع می‌شود و مردم ما با فیکنیوز و اخبار جعلی مأنوس هستند.

اتفاقات مهمی در شورای فضای مجازی و وزارت ارشاد برای مبارزه با اخبار جعلی انجام شده، ولی هنوز جواب نداده است. باید مطالبه کنیم. باید استنطاق کنیم. الان در شرایطی هستیم که گاهی یک فیکنیوز یا تصویر و سخنرانی تقطیع شده را مردم میلیون‌ها بار می‌بینند و افکار عمومی‌شان با آن ساخته می‌شود! منظورم دوستان و مأموران در مسجد که هر روز دور و بُر من هستند، نیست. همان خاکستری‌هایی که گفتید منظور است. به نظرم باید بهشت برای فضای مجازی هر شهر و استان خوراک تهییه کنیم. از فعالان فضای مجازی بخواهیم قطعات غیررسمی از نکات، تحولات و اتفاقات ایجاد کنند و روایت اول را در شهر ما داشته باشیم. مشکل ما در نظام رسانه‌ای کشور این است که روایت اول را رسانه‌های بیگانه و بی‌تعهد درست می‌کنند. حتی روایت اول از ماجرا مهسا امینی را با اینکه ظاهراً کلاً در فضای پلیس اتفاق افتاده بود، حتی پلیس درست نکرد! پلیس می‌توانست. در همین ماجرا حمله به سفارت آذربایجان غربی‌ها به دنبال آن بودند از آن سوءاستفاده کنند، ولی نتوانستند. زیرا سر ساعت ده یازده صبح، سیستم هوش رسانه‌ای کشور فعال بود و روایت اول را او تولید کرد. تصویر کامل ورود طرف را هم

او منتشر کرد. اگر قرار باشد برود شورای امنیت ملی و برگردد و تا شورای تأمین استان تصمیم بگیرد که تصویر دوربین سفارت را منتشر بکند یا نه، دو روز شده است و افکار عمومی مردم شما را برده‌اند!

آیا در موضوع مورد بحث، بسته‌ای داریم که تقدیم آقایان کنیم؟

بله، کتابچه‌ای داریم با اسم «منبهات و مصوبات زیست عفیفانه». فایل این کتاب را فوراً از همکاران من در دبیرخانه فوراً تهیه بفرمایید. البته مکتوبش را خدمت اعضای شورا بارها داده‌ایم. همچنین متعاقب این بسته و کتابچه، مجموعه‌ای از راهکارها و پیشنهادات آماده می‌شود. مثلًاً اخیراً با تکنیک‌های شناختی [جزوه‌ای را] تولید کردیم که در تبلیغات باید به چه گوییه‌هایی توجه کنیم تا رفتار کشف حجاب را تقبیح کنیم. جلد اول یا بسته اول آن آماده شده است. بسته دوم آن هم هفتة آینده آماده می‌شود. ما از متخصصان علوم شناختی استفاده می‌کنیم. این دو بسته را خدمت شما می‌فرستم.

کار دیگری هم آماده شده است. در رویداد گوهرشاد تا امروز بیش از دو هزار اثر رسانه‌ای مردمی آمده است و همچنین بیش از دویست ساعت نشست‌های تخصصی برگزار شده است. البته نشست‌های تخصصی در کشور زیاد است.

كتابچه
منبهات و
مصوبات
زیست
عفیفانه



آقایان کنیم؟



كتابچه
منبهات و
مصوبات
زیست
عفیفانه

از مجموع اینها بیش از ۱۵۰ تولید رسانه‌ای خوب آماده شده که بیشتر از این هم برای فضای مجازی موجود هست. پس حتماً شما و ائمه جمعه محترم محتواهای رسانه‌ای برآمده از گوهرشاد را از ما بخواهند.

البته تولید رسانه‌ای در کشور زیاد است. مهم این است که به قدری گفتمان مغلوبه است که اینها واپرال نمی‌شود. مثلاً همین ماجرای روزه‌اولی‌ها حرکت بزرگی بود که با محوریت دو سه مجموعه به استان‌های مختلف هم رفت. یکی دو اثر رسانه‌ای هم برای آن آماده شد. ولی چرا با اینکه تولید و پیگیری در جبهه انقلاب هست، اینها واپرال نمی‌شود؟ این فقط دلیل فنی ندارد. بخشی از آن، دلیل لسانی و زبانی دارد. زبانمان مقداری آلگن شده است. دشمن زبانی را پیدا کرده که متأسفانه ضرورت بازپس‌گیری زبان مردمی از دشمن ما از آن غافل ماندیم یا غافل بودیم. امیدوارم با رعایت اصول و اتقان عمل و جدیت بر ارزش‌های انقلابی و اسلامی، بتوانیم زبان اوساط‌الناس را پیدا کنیم. اینها عیال حاکمیت هستند. اینها دخترانمان هستند. آدم با دخترش چگونه برخورد می‌کند. تا به حالا دختر کسی از او تمرد نکرده است؟ ما در آخر فضا را برای زیست و زندگی چطور تدبیر می‌کنیم؟ به سمتی که حتی با تمردش، در آخر به خانه خودش برگردد.

دستور کار ما در هفته آینده، طرح اصلاح ساختار و اعضای شورای فرهنگ عمومی استان است. این طرح متأسفانه یک سال و چند ماه در شورای عالی گرفتار شد.

خدا را شکر آقای دکتر خسروپناه، حرف حق ما را مجدداً احیا کردند. اشاره کردند که مصوبات شورای فرهنگ عمومی کشور، مصوبه شورای عالی است و وارد فرایند مخالفت می‌شود؛ یعنی اگر مخالفت بشود، مجدداً در شورای معین یا شورای فرهنگی مطرح می‌شود. لذا به رغم اینکه هجده ماه از آمدنم می‌گذرد، طرح اصلاح روی زمین مانده است. در این طرح تحول، هم در اعضا اصلاحاتی شده که به توصیه آقا، بدنّه مردمی قدرتشان بیشتر شود، هم در اختیارات و هم در روابط شورا با سایر دستگاهها. البته باز هم تأکید می‌کنم که ضمانت صحت و شرعیت مصوبات شورا رئیس آن است که امام جمعه است و ضمانت اجرای آن استاندار است. کوتاهی‌هایی که استانداران محترم در تأمین منابع انجام می‌دهند، بخشی با فرهنگ‌سازی و تلاش برای افزایش بودجه بخش فرهنگ

آنجا بسیار جدی هستند. یک درصد از اعتبارات دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های دولتی، الزاماً باید به بدنّه فرهنگی کشور تزریق شود. آینه‌نامه‌های آن بعضاً نوشته شده است و هیچ مانعی ندارد. این پنج درصد، گف است. انتظار ما سی درصد و چهل درصد است، ولی می‌دانیم که مشکل‌های عمرانی در استان‌ها انصافاً مردم را آزار می‌دهد.

نکته بسیار مهمتر این است که باید با هماهنگی و همافزایی، منابع خودمان را به اشتراک بگذاریم تا بتوانیم ضمانت اجرایی [را بالا ببریم]. باز هم تأکید می‌کنم ضمانت اجرایی، استاندار است. هر استانداری احیاناً ابهام در اجرای مصوبات دقیق ما دارد، حتماً باید آن را با ما در میان بگذارند. نامه‌هایی همان چهارده ماه پیش به استانداری‌ها زده شد. ما روابط خوبی با وزارت کشور و سازمان شهرداری‌ها در دوره فعلی داریم. سازمان شهرداری‌ها در شهرها و شهرستان‌ها بسط عمل زیادی دارند. رابطه بسیار خوبی هم شخص خود رئیس‌جمهور با شورای فرهنگ عمومی دارند و همین اخیراً دوباره به استان‌ها اشاره کردند و گفتند در شورای فرهنگ عمومی استان‌ها باید نبض فرهنگ بتپد.



خیلی ممنون و متشرک از میهمان ارجمند جناب آقای دکتر امامی و صبر و حوصله ائمه محترم جمعه که این گفتوگو را دنبال کردند.

والحمد لله رب العالمين والسلام عليكم ورحمة الله



چکیده

قرار یازدهم

”

”

”

سلام! لطفاً سیر فعالیتتان در موضوع زیست عفیفانه را بفرمایید که از کجا شروع کردید و امروز آن کارها چقدر ضریب گرفته و به کجا رسیده است.



بیشک بزرگ‌ترین شبکه راهبری فرهنگی کشور، شورای فرهنگ عمومی است که مzin به هدایت و راهبری ائمه جمعه و نمایندگان ولی‌فقیه است. گاهی قدرت و اقتدار ما مبنی بر ترس است و گاهی مبنی بر ثروت؛ اما به نظر ما بزرگ‌ترین اقتدار و بزرگ‌ترین مرجعیتی که رئیس شورای فرهنگ باید در استان یا شهرستان داشته باشد، اقتدار مبنی بر دانش، رصد، هدایت و به عبارتی چاره‌اندیشی است.



در سال جدید قرار گذاشتیم علاوه بر وظایف عادی مان، بر پنج شاخص یا کلان شاخص اصلی تمرکز بیشتر کنیم. یکی از این پنج مورد که شاید حساس‌ترین و سخت‌ترین آنهاست، حوزه ارتقای شاخص‌های زیست عفیفانه و مقدمات تأمین زیست عفیفانه برای مردم است که همه باید درباره آن فکر کنیم.

می‌دانیم نابودی نهاد خانواده، دیگر نهادهای مقدس جامعه را نیز از بین خواهد برد و جامعه را آتمیزه می‌کند و در خدمت جریان شیطان قرار می‌دهد. درواقع مهم‌ترین ویژگی و البته مغفول تمدن غرب، خانواده‌سوزی و به تعبیر اندیشمندان غربی جنگ علیه خانواده بود. انقلاب اسلامی در مقابل این تمدن قد علم کرده؛ پس او در مقابل دنیای ما می‌ایستد، چون ما در مقابل دنیای او ایستاده‌ایم. بعد از انقلاب برای صیانت و حفظ خانواده، برای نشان دادن به دنیا که چه چیز می‌تواند این وضعیت را مغلوبه کند، انقلاب اسلامی بر حیا و زیست عفیفانه تأکید مؤکد داشت.

به رغم اینکه زیست غیر‌عفیفانه در گذشته آسیب بوده، امروزه می‌شنویم که نظام‌های اجتماعی و ساختارهایی در حد دولت مثلًا ازدواج محارم یا ازدواج هم‌جنس‌ها یا ازدواج با حیوانات را دارای حقوق می‌دانند! متأسفانه با گسترش ارتباطات مجازی و با تحولاتی که در رابطه مردم و دولت اتفاق افتاد و با فشل‌تر شدن نظام آموزش رسمی کشور که واقعاً باید توبه کنیم و همه صدبار از خدا استغفار کنیم [این گونه

اتفاقات پرنگ شده است]. سه دلیل گسترش حوزه ارتباطات مجازی، کمبود در حوزه تعلیم و تربیت رسمی و شکاف بین مردم و حاکمیت، ما را در شرایط حساسی از بازی زیست عفیفانه قرار داده است. این وضعیت، یعنی ادعای پوشش اختیاری و شرایطی که ما به آن رسیدیم و شکافی که در جامعه وجود دارد و بی‌تدبیری که در بعضی از مسئولان وجود دارد، محصول یک‌دهه‌ای است. یادم هست که این موضوع از سال ۸۴ مفصل در دستور کار بود؛ خود مصوبه ۴۲۷، محصول دغدغه‌مندان شورای فرهنگ عمومی بود که آن موقع این حرف‌ها را نداشتیم. خیلی‌ها می‌گویند: اگر مصوبه ۴۲۷ اجرا شده بود [این مشکلات پیش نمی‌آمد]. از ابتدا هم نگاه بر تفوق نگاه انتظامی نبود. نگاه جامعی در مصوبه بود که اگر هر کس وظیفه خودش را به خوبی انجام می‌داد [با این چالش‌ها مواجه نبودیم]، اما فعلًاً امروز اوضاع به اینجا رسیده است.

در شرایط فعلی که بعد از ماجراهای شهریور ۱۴۰۱ قرار داریم، شاهد رقابت چهار گفتمان بر سر نامعادله یا مسئله پوشش یا حجاب یا پوشش اختیاری در ایران هستیم. یکی از بردارهای این مسئله این است که نزد کنشگران و مردم و دخترمدرسه‌ای که نتوانستیم معارف عمیق اسلامی را در خصوص آزادی و عدالت و حقوق بشر خوب به او منتقل کنیم. آیا حجاب امری شخصی است یا نه امری اجتماعی است؟ البته واضح است که میانه طیف نقطه طلای وجود

دارد؛ چون حجاب هم امر شخصی و هم امر اجتماعی است. بردار دیگر هم اینکه کشف حجاب یا برداشتن پوشش یا اختلال آیا اساساً سویه یا پیامدهای سیاسی دارد یا سویه و پیامدهای فرهنگی؟ اگر اینها را مثل بهاضافه به هم تقاطع بدهیم، چهارگوشه به وجود می‌آید.

یکی از این گفتمان‌ها طبعاً حجاب را امری شخصی می‌داند و به آن کاملاً سویه سیاسی می‌دهد و تعبیر پوشش اختیاری را دارد؛ اسم این گفتمان را «گفتمان اجبار» می‌گذاریم که خودشان می‌گویند گفتمان پوشش اختیاری. گفتمان اجبار که می‌گویند شما پوشش را اجباری می‌کنید و برای اینکه مثلًا در بهترین حالت برای خودت حریم درست کنی، من را به محدود شدن مجبور می‌کنی. لذا شعارش می‌شود: «هیز تویی، هرزه تویی، زن آزاده منم!».

سویه دیگر این را امر شخصی می‌داند و کاملاً با سویه‌های فرهنگی آن را می‌بیند و نمی‌خواهد سیاسی کند. اینها کسانی هستند که مثلًا محجبه‌اند و توییت می‌زنند یا پیام می‌دهند یا بحث می‌کنند و می‌گویند: من محجبه هستم، اما با حجاب اجباری مخالفم. با روش جمهوری اسلامی هم مخالفم و می‌گوییم رها کنید و کاملاً این موضوع را از دغدغه خودتان خارج کنید. ما اسم این را «گفتمان صورتی» گذاشتیم.

سویه سیاسی برای گفتمان سوم بسیار بسیار جدی‌تر شده و البته این را هم امر کاملاً اجتماعی می‌دانند و می‌گویند اصلاً

مسئله شخصی برای ما مهم نیست. اسم اینها را «گفتمان اقتدار» گذاشتیم. گفتمان اقتدار از سوی بسیاری از وفاداران و زحمتکشان و هسته سخت انقلاب اسلامی دنبال می‌شود. ما تمام قد به آنها احترام می‌گذاریم، ولی بر اساس آمار و ارقام، گفتمان حاکم نیستند. در سپهر ملی تقریباً ۴۲، ۴۳ درصد جامعه به گفتمان اقتدار اختصاص دارد و ۴۵ درصد هم به سمت گفتمان اجبار رفته است. این دو مثل دو لبه قیچی تدبیر حاکمیت را قیچی می‌کنند.

گفتمان چهارمی هم دنبال می‌شود که البته هنوز تفوہ ندارد و در واقع محتمل است. این گفتمان در رفتار و کنش حجاب، سویه‌های فرهنگی را تقویت می‌کند و البته روی امر اجتماعی هم تأکید ویژه دارد، مثل طرفداران و سازندگان گفتمان اقتدار. اسم این را «گفتمان مسئولیت» یا «گفتمان خانواده» گذاشتیم.

امروز خطرناک‌ترین خطر کشف حجاب، برداشتن حجاب و تن‌نمایی و بی‌عفی ای که به دنبال آن است و مخصوصاً دشمن روی آن تمرکز کرده، نابودی خانواده است. پس باید خانواده ایرانی را به صحنه آورد.

۸۵ درصد جامعه ایرانی به شدت خانواده‌گراست. در ۱۵ درصد باقی هم درصد کمی ضدخانواده هستند. اگر خانواده‌گرایی را تقویت کنیم [می‌توانیم پیروز باشیم]. تأکید می‌کنم که بیش از ۷۳ درصد جامعه‌ای که در آن به سر می‌بریم،

حتی حجاب را واجب شرعی و دینی می‌داند. این آمار در کل به صورت ملی است و در کلان‌شهرها عدد کمتر می‌شود. باید غایات و پیامدهای دین‌داری مردم را فهمید. همین مردم با عدد خیلی بیشتری علاقه‌مند مناسک ماه رمضان هستند. این یعنی دین در جامعه ما فرهنگی شده. ما باید از این قوت استفاده کنیم. مثلاً از مردم پرسیدند چقدر علاقه دارید افطاری بدهید؟ در تهران بالای ۸۷ درصد علاقه داشتند افطاری بدهند. چقدر به افطاری دعوت می‌شوید؟ ۶۸ درصد. عددها بالاست. همین نماز عید فطر حضرت آقا در مصلای تهران، نمونه دیگری است.

اما از سال ۸۵ و ۸۶ اتفاقی در حال رخ دادن بود. فعال شدن گسلی خطرناک در جامعه ایران که ۴۳ درصد می‌گویند دولت مداخله کند و ۴۷ درصد می‌گویند مداخله نکند. باید این وسط چه کار کنید؟ یعنی حکمرانی در امری که تفوق و تفاهم و تلائم اجتماعی شصت هفتاد درصدی ندارد چطور ورود کند؟

بزرگ‌ترین کاری که ما باید در شهرهای بزرگ انجام دهیم این است که به لحاظ ذهنیت، مردم را تفکیک کنیم. باید اقلیتی را که اختلال رفتاری دارد، از اکثریتی که می‌خواهد زندگی اش را داشته باشد جدا کنیم. او زندگی اش را می‌خواهد و دوست دارد. خانواده‌اش را دوست دارد و با همه اشکالات و انتقادات و تنوع و تفاوت‌هایی که مثلاً با خانواده امام جمعه دارد، در یکجا با او

هم مشترک می‌شود: مثلاً در نماز جماعت او هم به همان امام اقتدا می‌کند. باید در قضاوت درباره دینداری مردم و طیف دینداری مردم مراقب باشیم. مراقبت نکردن‌ها باعث شد که بخش زیادی از جامعه به پانزده درصدِ دچار اختلال بپیوندد. قوه قضائیه لایحه‌ای را آماده کرده که به صورت قانونی، نه فرآقانونی، مواجهه پلیس و دستگاه قضایی با فرد مکشفه یا تن‌نما مستقیم صورت بگیرد. البته از باب هتك عفت عمومی هم می‌شد با آنها برخورد کرد، ولی وقتی تعداد جرایم مقداری بیشتر از یکی دو درصد می‌شود، مثلاً به ۱۰ درصد و ۱۵ درصد می‌رسد، نمی‌توان با فرایند دادرسی با آن مواجهه کرد.

آنچه ما مسئولیت داریم این است که بتوانیم با گفتمان خانواده‌گرا بین این اختلال‌ها تفکیک کنیم. در کنار این امور نیازمند برخی اقدامات فوری هم هستیم. مثلاً در بخش مد و لباس نیازمند ساماندهی هستیم. بیش از ۶۰ درصد از پوشак نامناسب اجتماعی که در کشور موجود است، قاچاق است! واردات پوشак دوخته‌شده به کشور ممنوع است یا درواقع اصلاً تعریفه گذاری نشده است؛ در حوزه تولید هم البته وزارت صمت کوتاهی دارد و من به عنوان مسئول کارگروهی که وزارت صمت هم عضو آن است، این را کتمان نمی‌کنم. ولی با تمام وجود قول دادند که به این موضوع ورود کنند.



الآن مشخصاً در گفتمان مسئولیت و خانواده چه کارهای

در حال انجام است؟



اولاً تلاش می‌کنیم با راهبردهای رسانه‌ای مختلف، آن فرایند یا راهبرد تبیین، تقبیح، تفکیک و کنترل را پیگیری کنیم. نکته بعدی این است که ما زمینه بسیار زیادی را برای درمان و مواجهه با این اختلال‌ها در نظر گرفته‌ایم. چون گفتیم این تن‌نمایی و برهنگی و بعضی از این رفتارها اختلال است و فرهنگ اجتماعی یا آزادی اساسی نیست. پروتکلهای درمانی، روش‌های مواجهه، روش‌های مشاوره برای آن پیشنهاد داده‌ایم و اتفاقات خوبی هم افتاده است. مثلاً یکی از فرایندهای خوب کار دوستان ما در مشهد در مرکز جوانان آستان قدس بود. کلینیک آمین که پیگیری می‌کنیم و هر استانی آمادگی داشته باشد، می‌شود در آنجا هم راهاندازی کرد.

کار بزرگ دیگری که انجام شده که باید آن را تقویت کنیم: گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه زن ایرانی، زن معمولی ایرانی، همین مادرانی که شهدا از دامان آنها به عروج رفتند و گفتمان زیست عفیفانه و حیا و حجاب. برنامه‌های مختلفی در بعضی از استان‌ها رخ داده است. نمونه‌هایی را از مواردی که مقداری ملی‌تر شد و زحمت دوستان ما از اعضای شورا بود را مثال می‌زنم. مثلاً دوستان ما در سازمان تبلیغات، جشن فرشتگان

را به راه انداختند. این کار کاملاً برنامه‌ریزی شده برای تقویت گفتمان دختر معمصوم ایرانی بود.

متأسفانه شک نکنید که پیچیده‌ترین و خطرناک‌ترین نسخه‌های سوء‌رفتار جنسی امروزه در مدارس ما وجود دارد و این امور می‌تواند این وضعیت را بهبود بخشد. آبرویداد گوهرشاد را در پیش داریم که در ۲۵ ذی‌الحجه، روز خانواده و دو روز بعد از روز حجاب و عفاف است؛ یعنی ۲۱ تیر. آبرویداد گوهرشاد در بیش از چهل رشته برگزار می‌شود و چند وقتی است جایزه گوهرشاد و رویداد گوهرشاد را در رسانه‌ها یاد می‌کنیم.

معمولًاً مخاطبان این مواردی که برشمردید، یعنی جشنواره گوهرشاد و جشن فرشته‌ها و برنامه‌های ایجابی از این جنس، باورمندان به حجاب هستند؛ الان مشخصاً برنامه ما که آن تفاهم اجتماعی را ایجاد کند تا برنامه‌های سلبی هم کف خیابان جواب بدهد چیست؟

می‌گوییم دعوت به حجاب امروز در کشور و جامعه ما مقدم بر نهی از منکر است؛ البته نه اینکه رافع نهی از منکر باشد. حضرت آقا گفتند: با هر کسی با زبان خودش صحبت کنید. این ویژگی مبلغ است: «كَلِّمُوا النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ». با نوجوان به زبان نوجوان، با زنان با زبان زنان و... بعد گفتند: آقا چیزی



فرمودند که اصلاً تا حالا نشنیده بودیم. گفتند: با معاند به زبان خودش، با غافل به زبان خودش.

کار کوچک دیگری هم باید به جد پیگیری شود که در راهبردهای سه‌گانه ما بوده است. دسترس‌پذیری، درکوتاه‌مدت جواب می‌دهد: توسعه نمایشگاه‌ها و سکوهای موقت عرضه پوشک عفیفانه. تجربه ما این است که اگر این نمایشگاه‌ها خوب برگزار شود و قیمت‌ها کنترل شوند، خاکستری‌ها می‌آیند و از آنجا مانتو و روسربی می‌خrend.

برای به حرکت درآوردن مردم در میدان، آیا برنامه‌ای دارید؟ الان طرحی داریم که مردم را وارد میدان کنیم؟



اولاً مقدمه این جدیت در احیای جنبه مردمی ماجرا یا آن ریشه مردمی ماجرا این بود که این تنازع و نزاع گفتمانی در بدنۀ حاکمیت رفع و حل شود. تا حد زیادی هم شده است. اتفاق بزرگ به صحنۀ کشیدن مردم در حال تدبیر است. از شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه دعوت و خواهش می‌کنم که راهبری فعالان فرهنگی استان‌ها را با هدایت ائمه جمعه و با گفتمان مسئولیت و خانواده و با گفتمان محظاطی که از شکاف‌ها احتراز کند تقویت کنیم. دعوت به حجاب باید تقویت شود. خدمات عمومی و دولتی در دفاتر و دواير دولتی، حتی در آنجایی که خدمات عمومی دولتی ارائه می‌شود، مثل



فروندگاهها، باید منوط به رعایت قانون باشد. البته باید توجه شود که بنشین و بفرما و بتمنگ خیلی با هم تفاوت دارد. دوستان ما انصافاً در حراست‌ها رعایت ادب را می‌کنند. لیکن دعوت به حجاب در شرایط بسیار مفیدتری است.

نکته آخر اینکه اعتنا به تلویزیون رسمی در پهنه ملی آن عملأً به زیر پنجاه درصد رسیده است! در این شرایط مردم مفصلأً در فضای مجازی هستند. گفت: شما سنگ را بسته‌اید و سگ را باز کرده‌اید! حواسمان باشد مردم به تعبیر رهبری، با قتلگاه مواجه می‌شوند! اتفاقات مهمی در شورای فضای مجازی و وزارت ارشاد برای مبارزه با اخبار جعلی انجام شده، ولی هنوز جواب نداده است. باید مطالبه کنیم. باید استنطاق کنیم. به نظرم باید بهشت برای فضای مجازی هر شهر و استان خوراک تهیه کنیم. از فعالان فضای مجازی بخواهیم قطعات غیررسمی از نکات، تحولات و اتفاقات ایجاد کنند و روایت اول را در شهر ما داشته باشیم.

آیا در موضوع مورد بحث، بسته‌ای داریم که تقدیم آقایان کنیم؟

بله، کتابچه‌ای داریم با اسم «منبهات و مصوبات زیست عفیفانه».



دستور کار ما در هفتۀ آینده، طرح اصلاح ساختار و اعضاي شوراي فرهنگ عمومي استان است. امسال در بودجه به تدبیر همکاران پنج درصد از منابع شوراي برنامه‌ريزي و توسعه استان که رئيسش خود استاندار است، الزاماً باید به بخش فرهنگ تخصيص پيدا کند.

تشکر از شما و همه مخاطبان عزيز. خدانگرهدار!

